

## نقد عکس 2

حالا با عکسی ساده روبرو هستیم که آراستگی و بی پیرایگی از جزء جزء آن به چشم می آید. «نوشین وفادار» در این عکس به همان سادگی و سهولتی در بیان بصری دست می یابد که در سال های دور و در کسوت یک فیلمساز در انیمیشن « تشنه ی او دیده بودیم؛ فیلم کوتاهی که به عنوان پایان نامه ی دانشجویی خود ارایه کرده بود و از ساختار و روایتی صریح و صمیمی برخوردار بود.

عکاس می خواهد از همهی هیاهوهای دنیای پیرامون به ترسیم لحظه ای بکر بسنده کند و بار دیگر ما را در مقابل آن جمله ی کلیدی و کاربردی "Less is more" قرار دهد!

اما براستی نمی توان این عکس را از جنسیت عکاس اش جدا کرد، اگرچه شخصا نگاه جنسیتی را در عکاسی مقدم نمی شمارم، اما به هیچ عنوان منکر آن نیز نیستم، چرا که نگرستن به جهان از نگاه یک زن با انتخاب هایی که یک مرد از دنیای اطراف دارد نمی تواند همسان باشد. از این گذشته آرایه های یک نگاه زنانه در این عکس حاکم است؛ انتخاب موضوع، درون گرایی، احساس امنیتی که در سراسر این عکس دیده می شود، هم نشینی رنگ های گرم و حضور پر رنگ نوعی «پوشیدگی» در این عکس از جمله ی این عوامل اند.



عکس: نوشین وفادار

عکس به فضایی روستایی تعلق دارد و خانه ای روستایی را به تصویر می کشد. معمولا آنچه در این لوکیشن ها جذاب به نظر می رسد و محمل خلق آثار بصری متفاوتی می شود "معماری" و هندسه ی ساده ی این خانه هاست. عنصری که اینجا نیز نه به طور مستقیم اما به شیوه ای کارآمد در صحنه حضور دارد.

عکس، ورودی خانه ای روستایی را به تصویر می کشد که با پرده ای گلدار آرایش شده است، پلکانی کوچک از گوشه ی سمت چپ قاب نگاه ما را به مرکز و سمت راست عکس رهنمون می کنند، جایی که یک جفت کفش خودنمایی می کند و از حضوری پنهان در قاب خبر می دهد. پرده ی گلدار به همان وجه بدوی معماری خانه های روستایی بر دیوار آویخته در سمت چپ قاب شاید در پی نقض این دنیای بسیار ساده باشد.

بافتی از کاهگل تمام پس زمینه را پوشانده و با ترک ها و شیارهای خود، احساس بصری خوبی را ایجاد می کند. همه چیز برای ثبت یک عکس خوب فراهم است، حتی نور. فضای ملهم از سایه و یکدستی نور در این فضا به اکسپوزی خوب انجامیده است که در حقیقت ارزش های بصری عناصر عکس را به طور یکسان در کنار هم قرار داده است.

پرده ی گل دار فقط یک پرده نیست که وجه بصری آن را ما را به تعمق فرو برد، پرده ی گلدار نمایشگر یک فرهنگ است بخصوص آنگاه که آن را به عنوان ورودی یک خانه روستایی می بینیم. این پرده برای ما آشناست، ما را به سال های دور می برد، به خانه ی مادر بزرگ هایمان، آنجا که این نوع پارچه ها را در هیات روتختی یا پشت دری دیده بودیم. پس اینجا پرده ی گلدار یک «فرهنگ» است و انتخاب چنین صحنه ای توسط عکاس به گونه ای بر حفظ و احیای این فرهنگ پهلو برای حفظ بخشی از تاریخ نمایان می کند.

معنا در این عکس از "پوشیدگی" ای می آید که عناصر قاب به آن دچار هستند. عکس بواسطه جفت کفش قرار گرفته در مقابل ورودی خانه از حضوری سخن می گوید که نمی دانیم کجاست، کیست و چگونه است! تنها می دانیم که هست و این معما گونه و رازآلود این عکس است که تماشاگر را دچار لذتی دوچندان می کند.

زاویه دید:

زاویه دید انتخابی عکاس را در این عکس نمی توان ساده انگاشت اگرچه ممکن است قرار گرفتن در برابر چنین صحنه ای - به طور شهودی نیز - ما را به انتخاب زاویه ای تخت دعوت کند.

عکاس با انتخاب زاویه تخت و تگریستن از روبرو به موضوع، در حقیقت تمام اغراق ها و تحمیل های پرسپکتیو را به حداقل رسانده است و پرسپکتیوی تخت را ایجاد کرده که در آن هیچ عامل انحرافی برای چشم بیننده وجود ندارد و به گونه ای چشم بیننده با کمال آسودگی فقط به موضوع فکر می کند. اثری از اغراق، بزرگنمایی یا کوچک کردن وجهی از موضوع در عکس نیست، همه چیز همانگونه است که باید باشد، بی آنکه گوشه ای از تصویر بر بخش های دیگر آن سنگینی کند. اگرچه به نظر می رسد تغییر ارتفاع دوربین تنها به اندازه ی چند سانتی متر بالاتر، می توانست وجه گویاتری از کفش های جفت شده در برابر پرده را نمایان سازد و به نمایش بهتری از سطح ایوان و پلکان نیز دست یابد.

رنگ:

رنگ حضور موثری در این عکس دارد. به هم نشینی سبزه ها، صورتی ها و رنگ حاکم آخری در کل عکس نگاه کنید. از دیدگاه تجسمی، رنگ در این عکس به مثابه یک بافت عمل می کند: بافتی از رنگ های گرم که حالا و در این عکس برای ما نشانه ای از زندگی آرام و مصلحانه را ترسیم می کند. امنیت ایجاد می کند، و نوعی امید و کشایش را تصویر می کند.

سازمان دهی تصویر:

نمی توان از ترکیب بندی این عکس به سادگی گذشت. عکاس با نهایت دقت عناصر مختلف را در پرسپکتیو حاصل از لنز نرمال در کنار هم چیده است. فضای یک سوم پایین قاب به پله ها و ایوان اختصاص داده شده و دو سوم بالا به پرده. این تقسیم خوب فضا به همراه دقت در به کارگیری فضاهای خالی اطراف موضوع سبب شده تا تناسبی چشمگیر و پویا را به نمایش بگذارد.

هدف و موخره:

عکس می کوشد تصویرگر سادگی جهان پیرامون باشد و ازین بابت به نظر می رسد راه پر پیچ و خم و دشواری را پیش رو دارد.

عکس می کوشد خود را مماس با لحظه های بکر و ساده ی زندگی کند؛ لحظه هایی که از فرط سادگی، از فرط زلالی و شفافیت، می روند که در پستوی هزار فکر و پیچیدگی و روزمرگی های ما آدم ها گم شوند. این ساده دیدن و دعوت به سادگی در عکس چه قدر می تواند به گسترش توانمندی های هنر عکاسی کمک کند و در پی احیای آن بخش از زندگی باشد که در جهان مدرن امروز در سایه قرار گرفته است.

نقد: [کیارنگ علایی](#)

عکس: [نوشین وفادار](#)

لینک مستقیم روزنامه قدس [PDF]